

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»
بُن - المان، می ۲۰۰۲م

مشت پر

لبت به تازگی غنچه های تر ماند
ز نازکی، رخت انگشت بر نمی دارد
طواف کوی تو چون کعبه مراد کنم
گذشت قصه یوسف، حکایت یعقوب
و یا کجا پسری از اطاعت و تمکین
زمانه ایست پر از فتنه و دران فتنه
نهاده پرده غفلت به گوش اهل جهان
زدست رفت دل از عطر زلف و میترسم
ز گرمجوشی طرز نگاه خود ترسم

اگر نبوسمش این داغ بر جگر ماند
ز بوسه هم به لب گرم تو اثر ماند
به کار خویشتم روزگار اگر ماند
کنون کجا پدري در غم پسر ماند
سری به مکرمت و حکمت پدر ماند
به هرکه بنگری کاری نکرده، در ماند
که ناشنیده سخن، هرکه هست در ماند
که دل نماند و آن یار بی خیر ماند
که داغ بر رخت از گرمی نظر ماند

روا مدار که در بند غم فتاده «اسیر»

ازو به کنج قفس یک دو مشت پر ماند